

- سرشناسه : کاشفی، حسین بن علی، ۸۴۰ - ۹۱۰ ق.
- عنوان و نام پدیدآور : غزنامه روم و چند فتح‌نامه دیگر از سلطان محمدفاتح لائر کاشفی ؛
تدوین، تصحیح و توضیح محمود حسن آبادی، علی محدث.
مشهد: انتشارات مرنديز، ۱۳۹۴.
- مشخصات نشر : ۳۱۶ ص.
- مشخصات ظاهري : ۹-۴۰۲-۱۰۶-۶۰۰-۹۷۸
- شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۶-۴۰۲-۹
- وضعیت فهرست نویسی : فیپا
- یادداشت : کتابنامه.
- موضوع : محمدفاتح، سلطان عثمانی، ۸۲۲-۸۸۶ ق. -- جنگها -- شعر
- موضوع : محمدفاتح، سلطان عثمانی، ۸۲۲-۸۸۶ ق. -- جنگها
- موضوع : شعر فارسی -- قرن ۹ ق. -- نسخه‌های خطی
- شناسه افزوده : محدث، علی، ۱۳۲۷ - ، مصحح
- شناسه افزوده : حسن آبادی، محمود، ۱۳۴۷ - ، مصحح
- رده بندی کنگره : DSR ۵۰۲/ک۴ غ ۱۳۹۴
- رده بندی دیویی : ۹۵۶/۱۰۱۵۲۰۹۲
- شماره کتابشناسی ملی : ۴۱۱۵۰۸۲

غزاً نامۀ روم

اثر کاشفی

و چند فتح نامۀ دیگر از سلطان محمد فاتح

تدوین، تصحیح و توضیح

علی محدث

دانشگاه اوپسالا - سوئد

دکتر محمود حسن آبادی

دانشگاه سیستان و بلوچستان - ایران



نشر مرندیز

دفتر انتشارات: مشهد، خیابان آبکوه ۷ - دانشسرای شمالی ۸ - شماره ۹۰
تلفن: ۰۵۱-۳۷۲۷۴۷۶۵ دورنگار: ۰۵۱-۳۷۲۵۱۳۰۲
www.marandiz.com

غزنامه روم

و چند فتح‌نامه دیگر از سلطان محمدفاتح

دکتر محمود حسن آبادی - علی محدث

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۴

چاپ: دقت

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۸۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۶-۴۰۲-۹

فهرست

- پیشگفتار ۱
- غزنامهٔ روم ۱۳
- سرسخن؛ کاشفی و غزنامهٔ روم ۱۵
- ویژگی‌های رسم الخطی نسخهٔ غزنامه ۱۸
- شعر و شاعری کاشفی در غزنامهٔ روم ۱۹
- غزنامه و شاهنامه ۲۶
- غزنامهٔ روم ۳۹
- فتح‌نامهٔ سلطان محمد فاتح ۱۰۵
- سرسخن ۱۰۷
- فتح‌نامه ۱۰۸
- منشآت السلاطین ۱۲۹
- سرسخن؛ فریدون بگک و منشآت السلاطین ۱۳۱
- نامهٔ سلطان محمد به شاهرخ تیموری ۱۳۵
- جواب شاهرخ تیموری به سلطان محمد ۱۳۹
- جهانشاه قراقویونلو ۱۴۱
- نامهٔ سلطان مراد به جهانشاه قراقویونلو ۱۴۳
- جواب جهانشاه قراقویونلو به سلطان مراد ۱۵۱
- نامهٔ سلطان محمد به ابراهیم بگک قرمان اوغلو ۱۵۷
- جواب ابراهیم قرمان اوغلو به سلطان محمد ۱۶۱
- نامهٔ سلطان محمد به سلطان حسین بایقرا ۱۶۳

۱۶۷	رقعات
۱۶۹	تهنیت نامه یکی از حکام همسایه به سلطان محمد فاتح
۱۷۶	تهنیت نامه به سلطان مراد درباب کناره گیری او از سلطنت
۱۷۹	تهنیت نامه درباب ولادت نوزادی
۱۸۱	رقعه ای در دعوت برای تدریس
۱۸۳	هشت بهشت
۱۸۵	سرسخن؛ ادريس بدلیسی و هشت بهشت
۱۸۷	کتیبه ششم؛ داستان هشتم؛ ولادت سلطان محمد
۱۹۲	کتیبه ششم؛ داستان چهاردهم؛ حمله اتحاد صلیبیون به عثمانی
۱۹۷	کتیبه ششم؛ داستان پانزدهم؛ تفویض سلطنت به سلطان محمد
۲۰۳	کتیبه ششم؛ داستان شانزدهم؛ حمله دیگر اتحاد صلیبیون به عثمانی
۲۱۳	سرسخن؛ جنگ سلطان محمد فاتح با اوزون حسن آق قویونلو
۲۱۷	کتیبه هفتم؛ داستان ششم؛ اوزون حسن آق قویونلو و مخاصمه با سلطان محمد
۲۲۵	گفتار اول؛ دست اندازی اوزون حسن به عثمانی
۲۳۵	گفتار دوم؛ حمله سلطان محمد و شکست دادن اوزون حسن
۲۶۹	فهرست ها
۳۰۳	منابع

پیشگفتار



سفینه حاضر مشتمل بر چند فتح‌نامه است از سلطان محمد فاتح (متولد ۱۸ رجب ۸۳۵، متوفای ۲۴ صفر ۸۸۶)^۱، یکی از بزرگ‌ترین سلاطین جهان. تنها فتح استانبول او را مورخان غرب یکی از مهم‌ترین حوادث جهان شمرده‌اند که مسیر تاریخ را تغییر داده و مبدأ قرون جدید در تاریخ اروپا شناخته شده است.^۲

او پیش و پیش از آن که یک فاتح باشد، یک سیاستمدار، مدیر و رئیس کاردان، موقع سنج و آدم‌شناس بود. او در حکومت خود از هر امکان داخلی و خارجی بهره می‌برد، از جمله در جنگ‌ها و فتوحات بیشترین بهره را از سربازان خارجی برد. بخشی از سپاه او را ایرانیان تشکیل می‌دادند، که آنان را در اردوی او به عنوان «غریبان» نام نهاده بودند^۳ و در جنگ‌ها پیشاپیش سپاه در خط حمله مستقر بودند و به عنوان خط شکن و نیز کیسه شن جلوی گلوله باران توپ و تفنگ دشمن مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

علاوه بر کسانی مانند حروفیان (ریاحی، ۱۳۶۹: ۱۳۴ به جلو) که به دلایل دینی و یا سیاسی از ایران به آسیای صغیر می‌رفتند، دانشمندان، ادیبان، شاعران و هنرمندان طبقه دیگری بودند که از ایران و هر جای دیگری به عثمانی پناه آورده یا هجرت کرده بودند، و مقدمشان از سوی سلطان محمد فاتح و دیگر سلاطین عثمانی گرامی داشته می‌شد، و از ایشان دربار عثمانی بیشترین بهره را می‌برد؛ مثلاً در ساختن مساجد از بهترین هنرمندان یونانی و ایتالیایی استفاده می‌شد. اوضاع پریشان سیاسی و اجتماعی ایران باعث بود که در بیشتر بلکه تقریباً همه طول تاریخ، هم-میهنان ما از سرزمین مادری به علت ناامنی و خفقان و نابسامانی به سرزمین‌های دیگر مثل هند و

^۱ - Born March 30, 1432, Adrianople, Thrace, Ottoman Empire—died May 3, 1481, Hunkârçayırı, near Maltepe, near Constantinople. See:

<http://www.britannica.com/EBchecked/topic/373174/Mehmed-II>

^۲ - صبح روز سه شنبه ۲۰ جمادی الاول سال ۸۵۷ هجری به دستور سلطان محمد عملیات اصلی حمله به قسطنطنیه شروع شد و به دنبال آن، شهر فتح شد.

^۳ - کاشفی در گزارانه (بیت ۵۹۴) گوید: مر آن زمره را در میان سپاه غریبان لشکر همی خواند شاه

۳- کاشفی در گزارانه (بیت ۵۹۴) گوید: مر آن زمره را در میان سپاه

عثمانی و از جنوب به سوی دریاها - زنگبار و غیره - گریخته یا پناه برده‌اند تا لقمه معیشتی یا زندگی آزادتر و بهتری برای خود دست و پا کنند. موج ایرانیان و هنرمندان ایرانی که به عثمانی کوچیده‌اند برای پژوهشگران تاریخ عثمانی شناخته شده است. به همین دلیل در آن ایام زبان فارسی، نه تنها زبان شعر و ادب و مکاتبه و تألیف کتاب در دربار عثمانی و مورد استفاده شعرا و نویسندگان آن سامان بود^۱ بلکه گستره آن تا یوگسلاوی و اتریش نیز کشیده شده بود.^۲ در آن هنگام در سراسر خاک عثمانی و حتی در شبه جزیره بالکان، زبان فارسی و آثار استادان بزرگ ایرانی خاصه سعدی و مولوی و حافظ و فردوسی رایج بود و در خاندان‌های رجال و بزرگان تعلیم می‌شد (صفا، ۱۳۷۰: ۶-۴۵). «نامه نگاری سلاطین عثمانی به فارسی بود و حتی برخی از آنها همچون سلطان سلیم و سلطان سلیمان شاعران خوبی بودند؛ آنان از بذل مال و اظهار کمال لطف و عنایت نسبت به فضلای ایرانی و یا پارسی دانان و پارسی گویان، اعم از آن که در دربارشان حاضر بودند یا در بلاد ایران و دور از قلمرو تسلطشان زندگی می‌کردند، ابا نداشتند و به همین سبب در دستگاه آنان همیشه عده‌ای از بزرگان علم و ادب ایرانی به سر می‌بردند» (صفا، ۱۳۶۴: ۱۳۹ به جلو).

از جمله شاعرانی که خود را به درگاه سلطان محمد رسانده‌اند، جز کاشفی، سراینده همین غزنامه و شاعران دیگری امثال او، از دو شاعر توانا می‌توان نام برد: یکی حامدی اصفهانی (در گذشته پس از ۸۸۴ هجری) و دیگری قبولی هروی (در گذشته ۸۸۳ هجری).

از مطالعه دیوان این دو شاعر و امثال آنان بسیاری از اوضاع و احوال اجتماعی، سیاسی و رجال آن دوره را می‌توان دانست؛ چنان که از ملاحظه دیوان امیرمعزی، بسیاری از رجال دوره سنجر سلجوقی را می‌توان شناخت (به قول عباس اقبال)؛ و نیز از مطالعه دیوان بی ارزش بساطی سمرقندی تنها مطلبی که می‌توان استفاده برد، آگاهی از رجال دوره امیر تیمور گورکان است.

در بارگاه سلطان محمد فاتح، چنان که در خیلی از جاهای دیگر، رسم بود که هر فتحی را منشیان سلطان به نثر مزین و مسجع درباری به شیوه‌ای حماسی به قلم درمی‌آوردند و برای پادشاهان

۱- رک: محمد امین ریاحی، ۱۳۶۹، صص ۱۳۳ به جلو و ۲۲۵ به جلو.

۲- رک: بوگدانوویچ، ۱۳۴۳، «نویسندگان و شعرای فارسی گوی یوگسلاوی»، صص ۶۱ تا ۶۶.

ممالک دیگر و نیز برای استانداران و حکام محلی می‌فرستادند. سلاطین دیگر پاسخی مرقوم می‌داشتند و ای بسا تحفه‌ای هم اضافه می‌کردند. اما حکام کشوری فتح‌نامهٔ سلطان را در بوق و کرنا می‌کردند و با تبلیغات وسیع به گوش همگان می‌رساندند، و علاوه بر آن تحف و هدایای فراوان همراه با نامه‌های ستایش آمیز به سلطان می‌فرستادند. فتح‌نامه‌ها برای کشورهای گوناگون به زبان‌های مختلف نوشته می‌شد. بسیاری از فتح‌نامه‌ها به فارسی و عربی توسط فضلالی فارسی دان و عربی دان تنظیم می‌شد. فتح‌نامه‌های ترکی نیز طبیعتاً کاربرد خاص خود را داشت. انگیزهٔ ما در انتخاب و چاپ این فتح‌نامه‌ها در سه نکتهٔ زیر خلاصه شده است:

۱- از نظر اجتماعی

این رسائل همه آینه‌ای از واقعیت زندگی ملتی است که چند صد سال پیش می‌زیسته؛ ملتی سربلند که مثل همهٔ ملت‌های مقتدر و سرفراز دیگر زندگی کرده، پنجه در پنجهٔ بزرگ‌ترین امپراتوری‌های زمان انداخته، و از آن همه معارک پیروز بیرون آمده است. پس این رسائل می‌توانند از جمله برای مردم ما نیز سودمند و امیددهنده باشند.

۲- از نظر حماسی

دفاتر این مجموعه، از نظم و نثر، در عین آن که راوی «واقعیت» اند، از جنبهٔ حماسی نیز برخوردارند. طبیعی است که در چنین متونی شاهنامهٔ فردوسی بیشترین تأثیر را نهاده است. غزنامه یکی از حلقه‌های همان سلسله زنجیره‌ای است که به تقلید و پیروی از شاهنامه سروده شده. فتح‌نامه‌های دیگر این سفینه نیز از این تأثیر برکنار نیستند، چنان که ملاحظه می‌کنید.^۱

همان طور که می‌دانیم حماسه ساختهٔ خیال است و قهرمان آن نیز خیالی است نه واقعی. اما کدام قهرمان حماسی یا سپهسالار واقعی را در تاریخ سراغ دارید که در بن بست تیره و سهمگین میدان نبرد که آینده‌ای بس مه‌آلود و ناروشن در پیش رو است، دستور دهد دست و پای اسبش را با زنجیر به میدان رزمگاه میخکوب کنند و به سرداران و سربازان اعلام کند که این رزمگاه یا قتلگاه من خواهد بود یا شاهد پیروزی؛ و راه سومی پیش رو نیست.

۱- منبع استشهداها و تضمین‌ها و از جمله اشعار شاهنامه را اگر یافته‌ایم، ذکر نموده‌ایم.

و این کاری است که قهرمان جنگ وارنه «سلطان عثمانی» انجام داد و پس از سه شبانروز نبرد بی‌امان، خود و همه سپاهیان‌ش شاهد پیروزی را در آغوش کشیدند.

۳- از نظر ادبی

گرچه رسائل منشور این مجموعه، ریخته‌خامه ادیبان گوناگون است به سبک منشیانه و نثری متکلف و مصنوع، یعنی عبارات مسجع، جملات طولانی، لغات سنگین و مشکل، و دربرگیرنده اقسام صنایع بلاغی، اما استواری و متانت اسلوب و جاذبه موضوع، موجب آن است که از این پس رسائل حاضر، در کنار متون سنگین نثر مصنوع کلاسیک همچون تاریخ و صاف، تاریخ معجم، تاریخ جهانگشا و ... در دوره‌های عالی ادبیات فارسی در دانشگاه‌ها تدریس شود، و ماده‌ای شایسته باشد برای تقویت بنیه ادبی دانشجویان ادبیات.

نسخه‌های خطی اساس چاپ

سال‌هاست که در کتابخانه دانشگاه اوپسالا به فهرست نویسی مخطوطات اشتغال دارم. جز فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشگاه - که چندی پیش از چاپ درآمد - نوشتن فهرستی برای میکروفیلم‌های هلموت ریتر به من سپرده شد.

ریتر دانشمند آلمانی که مدت بیست سال از عمر خود را در استانبول گذراند، نخستین کسی است که دستگاه فیلم برداری را به ترکیه برد و خود مسوول فیلم گرفتن از کتاب‌های خطی بود. ریتر به زبان‌های عربی و فارسی و ترکی خوب آشنا بود و در استانبول آنها را تدریس می‌نمود. او محقق ژرف بود و به کتاب‌های خطی عشق می‌ورزید.

دیرگاهی استانبول کعبه کتاب بازان بوده است. فضلی ترک و عرب و ایرانی و دیگران از همه جا برای جستجو و تحقیق به آن شهر رو می‌نهادند، و در نهایت مخطوطاتی را که سفارش می‌دادند، این ریتر بود که از آنها میکروفیلم تهیه می‌کرد. ریتر که خود اهل بخیه بود، هر کدام از آنها را برای خود قابل استفاده می‌یافت، یک کپی نیز برای خود می‌گرفت. جز اینها او از مخطوطات مورد نیاز خویش و دیگر دوستان اروپائیش فیلم تهیه می‌کرد. و از این راه مجموعه‌ای از میکروفیلم‌های نفیس را گرد آورده بود و با خود از استانبول به آلمان برد. سپس آنها را به کتابخانه دانشگاه اوپسالا فروخت و توسط کتابداران سوئدی مضبوط و فیش برداری شد.

از زمانی که فهرست نویسی آنها را شروع کردم، پیوسته در اندیشه چاپ بعضی از آنها بوده‌ام، و آرزو داشتم چند تن از اهل تحقیق در دسترس می‌بودند تا به یاری ایشان حداقل به چاپ آنچه مهم‌تر است، اقدام کنم.

گرچه آرزوی مذکور در آن هنگام جامه عمل نپوشید، اما شخصاً موفق به چاپ برخی از آن نفایس در سلسله انتشارات دانشگاه اوپسالا شدم^۱. فهرست میکروفیلم‌های هلموت ریتر را نیز در آینده نه چندان دوری منتشر خواهم کرد.

۱- تحت عنوان گل و نوروز، پانزده منظومه، بیست متن و هفده متن.

آشنایی با دکتر محمود حسن آبادی دو سه سال پیش، انگیزه اصلی چاپ رسائل کنونی شد. نسخه‌های خطی فتح‌نامه‌های سلطان محمد را که از سال‌ها پیش از مجموعه ریتز گرد آورده بودم، برای تصحیح به دست گرفتیم. نسخه‌های دومی را از این فتح‌نامه‌ها در مظان دیگر نیافتیم، اما در عوض از دو سرچشمه دیگر سیراب شدیم. یکی هشت بهشت ادریس بدلیسی که نسخه خطی کامل و نسبتاً خوبی از آن در کتابخانه دانشگاه اوپسالا موجود است، و دیگری منشآت السلاطین فریدون بگ که گنجینه ارزشمندی است، و در سال‌های ۱۲۷۴-۱۲۶۵ قمری در استانبول در ۲ جلد چاپ شده است. اما چون ناشران آن فضلالی فارسی‌دان عثمانی بوده‌اند - که زبان فارسی زبان مادریشان نبوده، بلکه در مکتب خانه‌های ترکیه آن را فرا گرفته بوده‌اند- به علاوه مکتوبات و مراسلات را از اصل اولیه نقل کرده‌اند، که به خطوط پیچیده دیوانی در آرشو عثمانی محفوظ بوده، بنابراین متن چاپ شده «منشآت فریدون بگ» پر از اغلاط و تصحیفات عجیب و غریب است، که طبیعت چنان کاری اقتضای آن را داشته است. بنابراین تصحیح مکاتیب فریدون بگ و نیز هشت بهشت بدلیسی اگر هر یک بیش از یک نسخه خطی مغلوط وقت نبرده باشد، ساده‌تر از آن نبوده است.

فتح‌نامه‌هایی را که در همین زمینه از دو مأخذ مهم یاد شده، یافتیم، به مجموعه حاضر افزودیم. به تبع فتح‌نامه‌ها، چند رقعہ یا مکتوب دیگر نیز در این سفینه ضمیمه گردیده است. اینها رقعاتی بوده که در اصل خطی، کنار رسائل مورد نظر ما قرار داشته‌اند، و چون هر یک در عین کوچکی، دارای فوایدی بوده است، دریغ دانستیم که از چاپ آنها صرف نظر کنیم.

معرفی نسخه‌های خطی

غزنامهٔ روم:

نستعلیق خوانای ۱۳ سطری است، در ۴۷ برگ، از آخر ناقص است و تاریخ ندارد. می‌توان آن را به حدود ۳۵۰-۳۰۰ سال پیش تخمین زد.

نمی‌دانیم که افتادگی آخر چقدر است ولی می‌دانیم که نسخه در میانه هم گسیختگی دارد. دو مورد از این گسیختگی‌ها را پیدا نمودیم و به جای اصلی وصل کردیم. اما باز هم در یکی دو جای دیگر افتادگی دارد. معلوم می‌شود که اصل اولیه هم مغشوش و درهم بوده و برگ‌هایی از آن افتاده بوده است.

اصل این نسخه در دانشگاه استانبول به شمارهٔ ۹۳۶ فارسی محفوظ است. شمارهٔ میکروفیلم آن در کتابخانهٔ دانشگاه اوپسالا:

MF. 15: 2304- 2305 از مجموعهٔ میکروفیلم‌های هلموت ریتر.

فتح‌نامهٔ سلطان محمد

در باب شکست دادن اوزون حسن آق‌قویونلو:

نستعلیق خوش ۹ سطری، بی تاریخ. ۹۸ برگ است به قطع کوچک. اصل آن در دارالکتب قاهره است. و شمارهٔ آن در کتابخانهٔ دانشگاه اوپسالا: MF. 15: 3526- 3526B از مجموعهٔ میکروفیلم‌های هلموت ریتر.

رقعات

مجموعهٔ چند نامه است از جمله به سلطان محمد بن مراد عثمانی و ... به فارسی با انشایی مترسلانهٔ مغلق از برگ ۱۱۵ تا ۱۲۰.

از برگ ۱۲۰ تا ۱۲۵ چند نامهٔ کوتاه دیگر است به افراد گوناگون. به خط شکسته نستعلیق

مختلف السطور.

آغاز: بشری لقد انجز الاقبال ما وعدا ...

اصل آن در استانبول- کتابخانه ولی الدین به شماره ۱۶۳۰ محفوظ است. شماره میکروفیلم آن در کتابخانه دانشگاه اویسالا: MF. 15: 1943 از مجموعه میکروفیلم‌های هلموت ریتتر.

هشت بهشت

از ادریس بن حُسام الدین بدلیسی (در گذشته ذو الحجّه ۱۹۲۶ / ۱۵۲۰ م).

نسخه کتابخانه دانشگاه اویسالا به شماره O Cels. 12

به خط نسخ شیوای قاسم خوانساری ابن خواجه علی محمد، احتمالاً سده ۱۱ هـ

کاغذ: سفید نازک و ظریف آهار مهره. با ۹ سرلوح زیبای زر و لاجورد و رنگ‌های دیگر در آغاز هر بخش از بخش‌های هشتگانه. صفحات با چند جدول زر و مشکی، عناوین و علائم شنگرف، وصالی شده، گاه اثر رطوبت و کپک زدگی در آن هست. جلد: تیماج سرخ مقوایی نازک، با جدول زر، لولادار، در قابی از چرم سرخ و مقوایی با روکش کاغذ موجدار. ۶۰۱ برگ ۲۳ سطری، ۱۳ × ۲۴/۵ سانت. قطع: ۲۰ × ۳۱/۵ سانت.

تاریخ حاضر در هشت باب تألیف شده و هر باب اختصاص به یکی از سلاطین عثمانی دارد. او دو نام برای کتاب خود برگزیده؛ یکی به فارسی: هشت بهشت، و دیگری به عربی: الصّفات الثمانیة فی اخبار القیاصرة العثمانیة.^۱

روش تصحیح

روش تصحیح ما قیاسی بوده، زیرا که مستند چاپ همه رسائل حاضر یک نسخه منحصر بوده است، جز هشت بهشت که ضمن کار دو سه نسخه دیگر به دستمان رسید و از آنها نیز در مقابله و تصحیح بهره بردیم.

۱- برای اطلاعات بیشتر رک: محدث، ۱۳۹۰، صص ۲-۲۷۱.

مستند ما نسخه‌های مغلوپ، و میکروفيلم‌های رنگ و رو رفته و ناخوانا، و بیشتر آنها به خط شکسته و کم نقطه یا بی نقطه اند. بنابراین یک فقره عادی را که در متن چاپی حاضر شما براحتی در عرض یک دقیقه می‌خوانید، ای بسا ما در طول چند روز توانسته‌ایم به قرائت و تصحیح آن موفق شویم. پس اگر احتمالاً در موردی دچار لغزش شده باشیم، عذر ما را بپذیرید. ترجمه آیات قرآن را در حاشیه یاد کردیم، به نقل از ترجمه مرحوم الهی قمشه‌ای.

علی محدث

۱۶ شهریور ۱۳۹۱ (۶ سپتامبر ۲۰۱۲)

اوپسالا